

اگرچه عدالت اجتماعی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به لحاظ هنجاری همگام با اسناد بین‌المللی حقوق بشر بوده، از نظر دستوری و عملی هنوز تحقق شایسته‌ای نیافته و به طور عادلانه اجرا نشده است. این دست‌مورد، اصولی‌اند که یا کمتر اجرا شده‌اند یا مغفول مانده‌اند.

خویش و منطبق بر الگوی مردم‌سالاری است و براساس آن حق انتخاب نوع نظام سیاسی به مردم داده شده است. نظام مردم‌سالاری، به منزله نقطه مقابل نظام‌های استبدادی و خودکامه، حق انتخاب مردم و مشارکت آن‌ها را در تصمیم‌گیری‌های اصلی نظام سیاسی به رسمیت می‌شناسد و با موانع تحقق مشارکت آزادانه مردم مقابله می‌کند.

براساس اصل نخست قانون اساسی، حکومت ایران، جمهوری اسلامی است که ملت ایران براساس اعتقاد دیرینه به حکومت حق و عدل قرآن به آن رأی مثبت داده است. مطابق این اصل، نوع حکومت و نظام سیاسی توسط مردم ایران انتخاب می‌شود و تحقق آن نیز مشروط به پذیرش مردم است.

از آنجا که نظام جمهوری بر رکن مشارکت گسترده مردم در تمامی امور مبتنی است و از طریق انتخابات و همه‌پرسی اعمال می‌گردد، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با تصریح به رسالت خود در صیانت از دین و ارزش‌های معنوی تأکید دارد که ملت ایران با حرکت انقلابی خود به جمهوریت موردنظر خویش دست یافته است؛ از همین رو مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش از اهم اهداف نظام برآمده از این انقلاب به شمار می‌رود؛ بنابراین اداره امور کشور همواره باید با اتکا بر آرای عمومی باشد، چنان‌که در اصل ششم قانون اساسی بر اتکا به آرای عمومی در اداره امور کشور تأکید شده و بحث انتخابات، انتخاب مجلس خبرگان، انتخابات ریاست جمهوری، انتخابات مجلس شورای اسلامی، انتخابات شورای شهر و روستا مورد توجه قرار گرفته است. به علاوه با توجه به همین اصل انتخاب زمامداران و اداره امور کشور با اتکا به آرای عمومی صورت می‌گیرد. تعیین رهبر توسط مجلس خبرگانی است که منتخب مردم‌اند. همچنین برگزاری انتخابات ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی و شوراهای محلی، و رسمیت یافتن دولت در نتیجه رأی اعتماد مجلس همگی از مظاهر مشارکت مردم در ساختار سیاسی نظام جمهوری اسلامی ایران است. همان‌گونه که اعمال اراده عمومی در چارچوب نهادها و تشکیلات سیاسی، که جزء آرمان‌های سیاسی و اجتماعی بشر در دوران تاریخی معاصر است، در یک نظام مردم‌سالار تجلی می‌یابد.

بدون حمایت مردم حکومت مردم نه‌توان تشکیل و نه‌توان استمرار دارد. در واقع اسلامیت نظام مربوط به مقام ثبوت و جمهوریت نظام مربوط به مقام اثبات است و نقش مردم تحقق بخشیدن به حکومت است. مردم به یک وضعیت بالقوه فعلیت می‌بخشند. این اساس مفهوم مردم‌سالاری دینی است. در نظام جمهوری اسلامی ایران مشروعیت بستگی به وحی و نبوت دارد، اما تحقق آن به مقبولیت مردم وابسته است. اگر مردم یک نظام را نپذیرند، هیچ‌گاه، حتی به الزام و اجبار، آن نظام تحقق پیدا نمی‌کند. پس از همان اول هم انقلاب، هم قانون اساسی و هم سایر وضعیت‌هایی که تاکنون در نظام جمهوری اسلامی